



وهابیت از منظر عقل و شرع 1

علماء و اندیشمندان اهل سنت، از دیر باز، نگاهی نقادانه به فرهنگ و معارف شیعی داشته‌اند و همواره سؤالات و شبهاتی را مطرح کرده‌اند ...

گسترش تهاجم به شیعه بعد از انقلاب اسلامی و انگیزه‌های آن

علماء و اندیشمندان اهل سنت، از دیر باز، نگاهی نقادانه به فرهنگ و معارف شیعی داشته‌اند و همواره سؤالات و شبهاتی را مطرح کرده‌اند. این رویکرد با ظهور وهابیت در شبه جزیره عربستان، روند وسیع‌تر و شدیدتری به خود گرفته است و پس از پیروزی انقلاب پرشکوه اسلامی ایران این هجمه با روشهای مدرن و با استفاده از رسانه‌های عمومی مانند اینترنت و ماهواره در سطح خیلی وسیع گسترش یافته است. این تهاجم در سالهای اخیر گسترش چشمگیری داشته است به گونه‌ای که همه گروهها، از مردم عادی تا اساتید، دانشجویان و دانش‌آموزان و حتی روحانیون کاروانهای حج را هم در بر گرفته است. طبق اظهارات حضرت آیت الله سبحانی، در کشور تاجیکستان از سوی وهابیه باغ بزرگی تهیه و از فرهنگیان جهت تدریس در محیط دانشگاه و مدارس اقدام به ثبت نام نموده و پس از يك دوره سه ماهه، حدود 400 نفر از برگزیدگان را به عربستان برده و در دانشگاه «الإسلامیه» مدینه منوره طی دوسال دوره آموزش مبنای وهابیت و راه مبارزه با فرهنگ شیعه، آنان را به شهرهای مختلف تاجیکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه اعزام کرده‌اند، و مشابه این کار در آذربایجان شوروی انجام گرفته و حتی اسم کسانی را که همنام آنه بودند، تغییر داده و سپس آنان را برای ترویج افکار وهابیت به کشور مبدا اعزام نموده‌اند.

فقط در ایام حج سال 1381، ده میلیون و 685 هزار جلد کتاب به 20 زبان زنده دنیا، (غالباً بر ضد شیعه) توسط دولت سعودی در میان زائران خانه خدا، توزیع شده است (مجله میقات، شماره 43، ص 198، به نقل از روزنامه عکاظ، مورخ 11 / 9 / 81). یکی از روحانیون سرشناس شیعه در منطقه قطیف کشور سعودی، در شب 12 رجب سال جاری (1382) در مکه مکرمه اظهار داشت: کتاب «**لله ثم للتاریخ**» را با کامیونهای بزرگ در منطقه قطیف و احساء در میان شیعیان به رایگان توزیع کرده‌اند.

همین کتاب، در کشور کویت سال 1380 هجری شمسی در یکصد هزار تیراژ چاپ و منتشر گردید که توسط دانشمند متعهد جناب آقای مهری (نماینده ولی فقیه) به دولت کویت اعلام گردید: اگر از نشر و توزیع این کتاب موهن و ضد شیعه جلوگیری نشود، بیم آن می‌رود که کویت، به لبنان دیگری در منطقه تبدیل شود (جریده «الرأی العام الكويتی» به تاریخ 30 / 6 / 2001. نامه مذکور در سایتهای مختلف اینترنت قرار گرفته است).

یکی از مؤسسات پژوهشی، کتابهایی را که در طول 14 قرن بر ضد شیعه چاپ و منتشر شده، تهیه و با شناسایی کرده، که آمار آنها از مرز 5000 عنوان تجاوز کرده است. از این مجموعه، 3000 عنوان به زبان اردو، 1500 عنوان به زبان عربی و 500 عنوان به زبانهای دیگر است. محتویات این کتب مورد مطالعه قرار گرفته و تاکنون هزاران شبهه در صدها عنوان، استخراج و گردآوری شده است. با اینکه این شبهات، غالباً از افترا و دروغ و یا جهل و نادانی سرچشمه گرفته است، ولی از مسنولیت اساتید و دانش پژوهان در پاسخگویی به آنها کاسته نمی‌شود. جالب توجه این است که 70 درصد کتاب‌های یاد شده بعد از پیروزی پرشکوه انقلاب اسلامی ایران نگاشته شده است؛ یعنی در طول بیست و چهار سال نزدیک به 2 / 5 برابر چهارده قرن، بر ضد شیعه کتاب تألیف گردیده است.

و این بدان جهت است که مخالفان مکتب اهل بیت، هرگز تصور نمی‌کردند که فرهنگ غنی شیعه بتواند ملت ایران را این چنین به صحنه بیاورد که با دست خالی، ولی با قلبی آکنده از ایمان و عشق به اسلام، طومار حکومت تا به دندان مسلح را - با آن همه حمایت‌های بیدریغ شرق و غرب - برای همیشه درهم بپیچد و به جای آن، حکومت اسلامی برپایه فقه شیعه تأسیس نماید. و به همین جهت، مخالفان مکتب اهل بیت، وقتی با گسترش فرهنگ تشیع، موقعیت خود را در خطر می‌بینند، با تألیف کتابهای ضد شیعی مملو از تهمت و کذب، سعی در مخدوش کردن چهره نورانی مذهب شیعه در سطح جهانی دارند. اهمیت این قضیه، با ذکر چند نمونه از این تهمت‌های ناجوانمردانه کاملاً روشن خواهد شد.

تهمت‌های ناجوانمردانه به شیعه

آقای دکتر عبد الله محمد غریب از دانشمندان مصری در کتاب مملو از دروغ و تهمت خود «وجاء دور المجوس» می‌نویسد: «**إن الثورة الخمينية مجوسية وليست إسلامية، أعجمية وليست عربية، كسروية وليست محمدية**» (وجاء دور المجوس: 357)؛ «نهضت [امام] خمینی، يك نهضت مجوسی، عجمی و کسروی است، نه نهضت اسلامی، عربی و محمدی». کینه‌توزی و دشمنی را تا آنجا پیش برده که می‌نویسد: «**نعلم أن حکام طهران أشدّ خطراً على الإسلام من اليهود، ولا ننتظر خيراً منهم، وندرک جيداً أنهم سيتعاونون مع اليهود في حرب المسلمين**» (همان: 374) «می‌دانیم که خطر حاکمان تهران، از خطر یهود بر اسلام، سخت‌تر است و از آنان هیچ امید خیری انتظار نمی‌رود و نیک می‌دانیم که آنان به زودی با یهود، همدستان شده و به جنگ مسلمانان خواهند آمد!».

در حالی که تمام دنیا می‌داند که امروز برای حکومت غاصب صهیونیستی، دشمنی، سخت‌تر از نظام اسلامی نیست و افتخار این نظام، این است که به مجرد پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت دولت غاصب اسرائیل را برای همیشه در ایران تعطیل و به جای آن سفارت فلسطین را گشود. دکتر ناصر الدین قفاری از اساتید دانشگاههای مدینه منوره، در کتاب «اصول مذهب الشیعة الإمامیه» که رساله دکتری او بوده، نوشته است: «**أدخل الخميني إسمه في أذان الصلوات، وقدم إسمه حتى على إسم النبي الكريم، فأذان الصلوات في إيران بعد استلام الخميني للحكم وفي كلّ جوامعها كما يلي: الله أكبر، الله أكبر، خميني رهبر، أي الخميني هو القائد، ثم أشهد أن محمداً رسول الله**» (اصول مذهب الشیعة الإمامیه: 3 / 1392). «[امام] خمینی، نام خود را در اذان نمازها داخل کرده و حتی نام خود را بر نام پیامبر نیز مقدم نموده است. در ایران، اذان در نمازها بعد از اعلام [امام] خمینی به عنوان حاکم ایران و حاکم همه جوامع [مسلمانان] چنین است: الله أكبر، الله أكبر، خمینی

رهبر یعنی خمینی پیشوای ماست ، سپس [می‌گویند :] «شهد أنّ محمداً رسول الله!» . اینجانب در بحث‌هایی که در سال جاری (رجب 1382) با تعدادی از دانشجویان دانشگاه «أمّ القرى» در کنار بیت الله الحرام داشتم ، اشاره کردم که اگر کسی به اذانی که همه روزه از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ، شبکه « جام جم » که در تمام کشورهای جهان ؛ به ویژه عربستان پخش می‌شود ، توجه کند ، دروغ‌گویی و تهمت ناروای این نویسنده ، کاملاً روشن خواهد شد . جای بسی شگفتی است که کتابهایی که بر ضدّ جنایات صهیونیسم در فلسطین اشغالی نوشته می‌شود ، بسیار کمتر از کتابهایی است که بر ضدّ شیعه تألیف می‌گردد .

چشم‌انداز مذهب شیعه

یکی از انگیزه‌های تهاجم وسیع وهابیت بر ضدّ مذهب اهل بیت : ، ترس و وحشت آنان از گسترش فرهنگ برخاسته از قرآن در میان جوانان و دانشمندان تحصیل کرده و استقبال آنان از این مکتب نورانی مطابق با سنت راستین محمدی(صلی الله علیه و آله و سلم) است ، به چند نمونه توجه کنید : دکتر عصام العماد ، فارغ التحصیل دانشگاه « الإمام محمد بن سعود » در ریاض و شاگرد بن باز (مفتی اعظم سعودی) و امام جماعت یکی از مساجد بزرگ صنعاء و از مبلغین وهابیت در یمن که کتابی نیز در اثبات کفر و شرک شیعه تحت عنوان : « **الصلة بين الاثنى عشرية و فرق الغلاة** » نوشته است با آشنایی با یکی از جوانهای شیعه ، با فرهنگ نورانی تشیع آشنا شد و از فرقه وهابیت دست کشید و به مذهب شیعه مشرف گردید . دکتر عصام در کتابی که به همین مناسبت تألیف نموده ، می‌نویسد : با مطالعه کتابهایی که وهابیت در سالهای اخیر نوشته‌اند ، به یقین در می‌یابیم که آنان احساس کرده‌اند که تنها مذهب آینده ، همان مذهب شیعه امامیه است : « **وكلما نقرأ كتابات إخواننا الوهابيين نزداد يقيناً بأنّ المستقبل للمذهب الاثنى عشرى ؛ لأنهم يتابعون حركة الانتشار السريعة لهذا المذهب فى وسط الوهابيين وغيرهم من المسلمين** » (المنهج الجديد والصحيح فى الحوار مع الوهابيين : 178) .

هنگامی که کتابهای برادران وهابى را می‌خوانیم بر یقین ما افزوده می‌شود که آینده از آن مذهب تشیع است ، زیرا آنان خود وسیله انتشار سریع و آشنائی با مذهب تشیع در بین وهابیان می‌باشند . آنگاه از قول شیخ عبد الله العثیمان استاد « الجامعة الإسلامية » در مدینه منوره نقل می‌کند : « **إنّ الوهابيين على يقين بأنّ المذهب (الاثنى عشر) هو الذى سوف يجذب إليه كلّ أهل السنّة وكلّ الوهابيين فى المستقبل القريب ؛ وهابيون به يقين دریافتند ، تنها مذهبی که در آینده ، اهل سنت و وهابیت را به طرف خود جذب خواهد کرد ، همان مذهب شیعه امامی است** » (همان) .

آقای شیخ ربیع بن محمد ، از نویسندگان بزرگ سعودی می‌نویسد : آنچه که باعث فزونی شگفتی من گردیده ، این است که برخی از برادران وهابى و فرزندان شخصیت‌های علمی و دانشجویان مصری ، اخیراً به سراغ مکتب تشیع رفته‌اند : « **ومما زاد عجبى من هذا الأمر أنّ إخواننا لنا ومنهم أبناء أحد العلماء الكبار المشهورين فى مصر ، ومنهم طلاب علم طالما جلسوا معنا فى حلقات العلم ، ومنهم بعضُ الإخوان الذين كُنّا نُحسِن الظنّ بهم ؛ سلکوا هذا الدرب ، وهذا الاتجاه الجديد هو (التشيع) ، وبطبيعة الحال أدركت منذ اللحظة الأولى أنّ هؤلاء الإخوة - كغيرهم فى العالم الإسلامى - بერთهم أضواء الثورة الإيرانية** » (مقدّمه كتاب « الشيعة الإمامية فى ميزان الإسلام » : 5) . شیخ محمد مغراوی از دیگر نویسندگان مشهور وهابى می‌گوید : با گسترش مذهب تشیع در میان جوانهای مشرق زمین ، بیم آنرا داریم که این فرهنگ در میان جوانهای مغرب زمین نیز گسترده شود : « **بعد انتشار المذهب الاثنى عشرى فى مشرق العالم الإسلامى ، فحفت على الشباب فى بلاد المغرب . . .** » (مقدّمه كتاب من سبب الصحابة ومعوية فأمة هاوية : 4) . دکتر ناصر قفاری استاد دانشگاه‌های مدینه می‌نویسد : اخیراً تعداد زیادی از اهل سنت به طرف مذهب شیعه گریخته‌اند و اگر کسی کتاب « عنوان المجد فى تاريخ البصرة ونجد » را مطالعه کند به وحشت می‌افتد که چگونه برخی از قبایل عربی به صورت کامل ، مذهب شیعه را پذیرفته‌اند : « **وقد تشيع بسبب الجهود التى يبذلها شيوخ الاثنى عشرية من شباب المسلمين ، ومن يطالع كتاب « عنوان المجد فى تاريخ البصرة ونجد » يؤوله الأمر حيث يجد قبائل بأكملها قد تشيعت** » (مقدمة أصول مذهب الشيعة الإمامية الاثنى عشرية : 9 / 1) . جالبتر از اینها سخن شیخ مجدى محمد علی محمد نویسنده بزرگ وهابى است که می‌گوید : یکی از جوانهای اهل سنت با حالت حیرت ، نزد من آمد وانگیزه حیرت او را جویا شدم ، دریافتم که دست يك شیعه به وی رسیده است و این جوان سنّی تصوّر کرده که شیعیان ملائکه رحمت و شیر بیشه حق می‌باشند : « **جاءنى شاب من أهل السنّة حيران ، وسبب حيرته أنّه قد امتدّت إليه أیدی الشيعة . . . حتى طنّ المسكين أنّهم ملائكة الرحمة وفرسان الحق** » (انتصار الحق : 11 و 14) .

ارزش و جایگاه وحدت از منظر قرآن و سنت

شاید به ذهن بعضی خطور نماید که طرح این چنین مسایل اختلافی میان شیعه و سنی و یا شیعه و وهابیت با جریان وحدت میان مسلمانان منافات داشته باشد و یا عامل رنجش خاطر بعضی فراهم گردد و یا موجب تفرقه گردد ، بدین منظور نا گزیریم نسبت به مفهوم وحدت و عوامل آن به صورت گذرا اشاره کنیم . یکی از عوامل پیشرفت ملتها و رمز پیروزی آنان ، پیوند و اتحاد بوده است همانگونه‌ای که با اتحاد قطرات آب ، مخزن بزرگ سد تشکیل و با پیوستن جویهای کوچک به همدیگر رودخانه های عظیم ایجاد می‌شود ، با اتحاد انسانها باهمدیگر صفوف بزرگی تشکیل می‌شود که دشمن با نگاهش به آن به وحشت افتاده و فکر تجاوز به آنان را برای همیشه از سر بیرون می‌کند (**تَرْهِيْبُونَ يَوْمَ عَدُوّ اللَّهِ وَعَدُوّكُمْ**) (انفال : 60) .

قرآن مجید ملت اسلامی را به سوی یگانه عامل وحدت ، « **تمسك به حبل الله** » دعوت می‌کند و از هر گونه تفرقه برحذر می‌دارد : (**وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**) (آل عمران : 103) .

بلکه اختلاف و پراکندگی و به جان هم افتادن را یکی از بدترین عذابها به شمار می‌آورد : (**قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَتْ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ قَوْكُمْ أَوْ مِّنْ قَوْلِكُمْ أَوْ يَلِيْسَكُمْ شَيْعًا وَيَذِيْقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُوْنَ**) (انعام : 65) « **بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی دیگر بچشاند** » . این اثیر می‌گوید : مراد از « شیعا » همان تفرقه میان امت اسلامی است (النهایة فى غریب الحدیث : 2 / 520) .

رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید : تمام مسلمانان عالم اعضاء یکدیگر هستند وهمه آنا بمنزله يك جسد می‌باشند که اگر عضوی از آن به درد آید سایر اعضاء نیز متأثر خواهد شد .

« **مثل المؤمنین فى توادهم وتعاطفهم وتراحمهم بمنزلة الجسد إذا اشتكى منه شئ تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى** » (مسند أحمد : 4 / 270) . امیر مؤمنان(علیه السلام) می‌فرماید : ملازم جامعه اسلامی باشید چون دست خدا همواره با جماعت است ، و از تفرقه بپرهیزید زیرا گروه اندک طعمه شیطان می‌شود همانطوری که گله اندک ، نصیب گرگ می‌شود .

قال علی(علیه السلام): « **ألزمو السواد الأعظم ، فإنّ يد الله على الجماعة ، وإياكم والفرقة ، فإنّ الشاذّ من الناس للشيطان ، كما أنّ الشاذّ من الغنم للذئب . . .** » (نهج البلاغة لصحی الصالح : 184 رقم 127) .

